

بررسی مسائل زنان ایرانی از پیش از اسلام تا انقلاب اسلامی از نگاه سفرنامه‌نویسان خارجی

محمدرضا جوادی یگانه*

سعیده زادقناد**

چکیده

تحقیق حاضر به مطالعه مسائل زنان ایرانی از پیش از اسلام تا انقلاب اسلامی از نگاه سفرنامه‌نویسان پرداخته و مشکلاتشان را در کنار رفتارهای منفی‌شان بررسی و موقعیت سفرنامه‌نویسان را در انعکاس وضعیت زن ایرانی مطالعه می‌کند.

این پژوهش بر مبنای تحلیل تماتیک تنظیم شده و با دسته‌بندی وضعیت زنان در سه مقوله، گزاره‌هایی مبنی بر «خلقیات منفی زنان» و «ظلم به زنان» را استخراج کرده است.

طبق نتایج، با وجود برخی گزاره‌های انکارناپذیر، در مواردی فقدان درک درست سفرنامه‌نویس از جامعه ایران در گزارشش مؤثر بوده است؛ بنابراین فهم سفرنامه‌نویسان از مسائل زنان از سه منظر درخور بررسی است: نخست آن‌هایی که بدون دسترسی به زنان و از روی خیال‌پردازی یا اقتباس از سفرنامه‌های دیگران درباره زنان ایرانی اظهار نظر کرده‌اند. دوم، مردانی که به زنان دسترسی داشته‌اند و سوم سفرنامه‌نویسان زن که با زنان ایرانی در ارتباط بوده‌اند. تنوع مشاهده و تفاوت میان سه دسته مذکور نشان می‌دهد که شناخت زنان ایرانی از نگاه سفرنامه‌نویسان، نیازمند احتیاط و توجه به میزان دسترسی آن‌ها به جامعه زنانه است.

کلیدواژه‌ها: سفرنامه، زنان، خلقیات منفی، ظلم به زنان.

* دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) myeganeh@ut.ac.ir
** کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه، دانشگاه تهران zadghannad@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۶

۱. مقدمه

یکی از منابع مهم تاریخ اجتماعی ایران، که گوشه‌های ناشناخته‌ای از زندگی ایرانیان را روشن می‌کند، سفرنامه‌های سیاحانی است که به ایران سفر کرده‌اند. این سیاحان از پانصد سال پیش از میلاد تاکنون بخش‌های گوناگونی از سرزمین ایران را درنور دیده‌اند و درباره ایران نوشته‌اند. یکی از نکات بحث‌انگیز سفرنامه‌ها، موضوع زنان است. با توجه به این که در منابع ایرانی موجود در سده‌های پیش کم‌تر مطلبی درباره زنان به چشم می‌خورد، تصویری که سیاحان از زنان شرقی ساخته‌اند تا مدت‌ها فقط منبع موجود درباره این قشر بوده است؛ برای نمونه تصویری که مونتسکیو در کتاب مشهور *نامه‌های ایرانی* از زنان ایرانی ارائه می‌کند و در آن به توصیف حرمسرای ایرانی می‌پردازد، سراسر برگرفته از *سفرنامه* شاردن است.

ادوارد سعید نیز در *شرق‌شناسی* تأکید می‌کند که فهم از شرق بر اساس یافته‌های شرق‌شناسانه‌ای شکل گرفته که سفرنامه‌ها از مهم‌ترین منابع آن‌اند. شرقی که شرق‌شناسی می‌سازد جنبه‌ای رویایی دارد که بر اساس تصور از زنان شکل گرفته است؛ این جنبه تا حدی برای سعید اهمیت داشته است که روی جلد کتابش *تصویری از حمام ترکی* با حاجی‌ای ترک و چندین زن برهنه نقش دارد. هرچند در کتاب سعید اشاره‌ای به ایران نشده است، اما تصویر ساخته‌شده از شرق شامل ایران نیز می‌شود.

هدف این مقاله بررسی انواع تصاویری است که سیاحان فرنگی از زنان ایرانی ساخته‌اند و هم‌چنین تغییرات آن تا پیروزی انقلاب اسلامی. بیش از پانصد سفرنامه ترجمه‌شده درباره ایران (سفرنامه، نامه‌نگاری، گزارش‌های سفارت‌خانه‌ها و نیز مقالات کوتاهی که ترجمه بخش‌هایی از یک سفرنامه‌اند) وجود دارد که نگارندگان مقاله آن‌ها را برای پژوهش درباره خلیقیات منفی ایرانیان مطالعه کرده‌اند و از میان آن‌ها، متونی که به موضوع زنان پرداخته‌اند به صورت مجزا در این مقاله بررسی کرده‌اند.

منابع اندکی موجود است که به موضوع زنان در سفرنامه‌ها پرداخته‌اند؛ از جمله کتاب خوانساری با عنوان *زن ایرانی در عصر صفویه بر اساس سفرنامه‌ها و گزارش‌های خارجیان* (۱۳۸۱) و پایان‌نامه سیفی چرمهینی با عنوان «زن ایرانی به روایت سفرنامه‌های ایرانی و غیر ایرانی در دوره صفویه» (۱۳۸۷) در دانشگاه پیام نور. این دو اثر فقط دوره صفوی را بررسی کرده‌اند و از سایر دوره‌ها غافل بوده‌اند. به علاوه جز *سغیر زیبا* نوشته گرس (۱۳۷۲)، که به سرگذشت سفر ماری کلودپوتی، ماجراجوی فرانسوی که در ۱۷۰۶ به ایران آمد پرداخته است و بهتر است عنوان داستان سفر را بر آن نهاد تا سفرنامه، سفرنامه دیگری از زنان در این دوره در دست نیست. هم‌چنین سفرنامه‌های مهمی مانند *سفرنامه* میکله ممبره

(ممبره، ۱۳۹۲)، که در آن نویسنده توانسته به خانه ایرانی وارد شود، تاکنون بررسی نشده است. در کنار این آثار، *زن ایرانی در سفرنامه‌ها* (پناهی، ۱۳۸۱) نیز قرار دارد که به مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان ایرانی در سفرنامه‌ها پرداخته است؛ اثری که در آن «زن ایرانی نه به عنوان موجودی منفعل و عزلت‌نشین، بلکه مهربان و دلسوز، فعال و پویا، مؤمن و معتقد و صبور و قانع معرفی شده است» (پناهی، ۱۳۸۱: ۱۰ به نقل از ترک‌چی، ۱۳۸۶: ۸۳). هم‌چنین نویسنده فعالیت زنان را از جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی در سفرنامه‌ها می‌کاود؛ عناوینی مانند زن مسلمان شهری، روستایی و ایلاتی، طبقه اجتماعی، تعلیم و تربیت و صنایع از موضوعاتی است که درباره آن‌ها بحث شده است (همان). این کتاب نیز هدف متفاوتی از آنچه بررسی کرده‌ایم دارد و خلیقات منفی زنان مد نظرش نبوده است.

در مقاله حاضر، در پی آنیم که برای شناخت دقیق‌تر از موقعیت زنان در ایران، وضعیت آن‌ها را در سفرنامه‌های سیاحانی که از ایران بازدید کرده‌اند بررسی کنیم. تمرکز مقاله فقط بر مسائل زنان و خلیقات منفی آن‌هاست. شایان ذکر است مراد از مسائل زنان، آن دسته از رفتارهایی است که از سوی عرف معمولاً مردسالار جامعه ایرانی اعمال می‌شوند و اغلب صورت تبعیض آمیز جنسی و جنسیتی دارند. هم‌چنین خلیقات منفی زنان ناظر به رفتارها و تفکراتی است که در قالب ویژگی‌های منفی زنان ایرانی گزارش شده‌اند؛ رفتارهایی نظیر حسادت، تجمل‌گرایی، خرافه‌پرستی و نظایر آن. به این ترتیب رفتارهای منفی اعمال شده بر زنان و رفتارها و خلیقات ناپسند زن ایرانی مطرح نظر بوده‌اند. از سوی دیگر، در این مقاله از پرداختن به نقاط قوت زنان ایرانی پرهیز شده است؛ بدان دلیل که سیاحان به زنان در خانواده‌ها دسترسی اندکی داشته‌اند و بیش‌تر زنان را در موقعیت‌های عام و بیرونی دیده‌اند. هم‌چنین سیاحان راهی به اجتماعات دینی نداشته‌اند و از این رو، چندان درک روشنی از بخش‌های مثبت جامعه ایرانی و به‌ویژه زن ایرانی نداشته‌اند، اما بخش‌های منفی این جامعه را بهتر از معاصران ایرانی خود رصد کرده‌اند.

هدف دیگر مقاله حاضر، بررسی تفاوت‌های میان مشاهدات این سیاحان است تا از طریق آن بتوان به سنجش اعتبار یافته‌های سیاحان درباره ایران دست یافت.

۲. روش تحقیق

هدف اصلی این مقاله ارائه گزارشی از وضعیت زنان است، نه چرایی آن؛ از این رو تلاش شده است طبقه‌بندی مناسبی از موضوعات ارائه شود و بر اساس آن، مسائل طرح شده درباره زنان تصویر روشن‌تری داشته باشد. هم‌چنین از آنجایی که این تحقیق در پی آزمون

نظریه‌ای خاص نیست و به نوعی خود ارائه‌دهنده الگویی در بازنمایی تصویر زن ایرانی از خلال سفرنامه‌هاست، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده کرده و مبنای خود را بر متد تحلیل تماتیک استوار کرده که مبتنی بر استقرای تحلیلی است و در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد (محمدپور، ۱۳۹۲)؛ بنابراین مسائل زنان به تفکیک شش موضوع یا تم اصلی در این سفرنامه‌ها بررسی شده است.

۱.۲ جنسیت سفرنامه‌نویس

در این پژوهش، ۵۰۰ سفرنامه مطالعه شده است که از میان آن‌ها، ۱۴۶ مورد به مسائل و خلیات زنان ایرانی اشاره کرده است. از این میان نیز سفرنامه‌هایی که سیاحان زن نوشته‌اند و به فارسی ترجمه شده است ۲۵ مورد بوده است. علاوه بر آن، دو پژوهش‌گر زن نیز مطالبی درباره ایران به رشته تحریر درآورده‌اند که در آن به برخی از مشاهدات خود از ایران نیز اشاره کرده‌اند، اما همه این زنان به مسائل زنان نپرداخته‌اند و فقط ۱۸ سفرنامه از سفرنامه‌های آنان موجود است^۱ که در این تحقیق درباره آن مطالعه شده است؛ یعنی در مجموع کم‌تر از ۱۲ درصد از سفرنامه‌های بررسی شده در این مقاله، که تا سال ۱۳۵۷ را بررسی می‌کند، به دست زنان نوشته شده است. به این ترتیب، ۸۱/۸۰ درصد گزاره‌های منفی ذکرشده درباره زنان را مردان بیان کرده‌اند و یک پنجم باقی‌مانده را زنان سیاح گزارش کرده‌اند.

۲.۲ دوره‌های تاریخی

در مجموع از بیش از ۵۰۰ متن منتشرشده به دست کسانی که از ایران بازدید کرده‌اند، ۱۴۶ سفرنامه حاوی گزاره یا توصیفی است که دربرگیرنده مسئله یا موضوعی درباره زنان است. از نخستین نمونه این دست گزاره‌ها، سفرنامه کنزیاس (در سال‌های ۳۹۸-۴۰۵ ق.م)، پزشک مخصوص اردشیر دوم و آخرین آن‌ها، سفرنامه سینتیا هلمز، همسر سفیر امریکا در ایران است که گزارشی از ایران سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۶^۲ ارائه کرده است. از مجموع این ۱۴۶ متن، ۵۸۹ گزاره منفی درباره زنان به دست آمده است. این دوره‌بندی، شامل چهار گروه کلی پیش از اسلام (۲/۷۴ درصد)، بعد از اسلام تا ابتدای قاجاریه (۱۵/۰۵ درصد)، قاجاریه (۵۸/۹۰ درصد) و پهلوی (۲۱/۲۳ درصد) است که بر مبنای ارائه، توزیع مناسب‌تری از سفرنامه‌ها ارائه شده است.

۳.۲ نوع زنان بررسی شده

در این سفرنامه‌ها، آنچه دربارهٔ زنان ذکر شده توصیفات است دربارهٔ انواع گوناگون زن که به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

الف) زن در مفهوم عام: به این معنی که سفرنامه‌نویس در بیان وضعیت اخلاقی زن ایرانی یا تبعیض و ستمی که مرد یا شرایط اجتماعی بر او روا می‌دارد از واژه دقیق زن ایرانی، زنان در ایران و نظایر آن استفاده می‌کند؛ به این معنا که او موضوعی را در وضعیت زن ایرانی یافته است که آن را به‌سادگی قابل تعمیم به سایر زنان می‌داند. از مجموع گزاره‌ها، ۴۴/۶۵ درصدشان در این طبقه جای می‌گیرند. همانند تعبیری که کلارا رایس، عضو هیئت تبلیغی مسیحی در ایران (۱۸۹۹-۱۹۱۹) در *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان* ارائه می‌کند:

زنان به امید بازیابی مهر و محبت شوهر یا پسر آوردن به «طلمس‌های» گوناگون متوسل می‌شوند. به طور کلی در سرشت این‌گونه تلاش‌ها، منظور بلا آوردن بر سر هوو (و) توفیق در مطلوب قرار گرفتن خویشان است (رایس، ۱۳۸۳: ۸۸).

ب) زن درباری و اعیانی: برخی از خلق و خویهای زن ایرانی منحصراً مربوط به شرایط زندگی او در دربار و نحوهٔ برخورد با اوست و گفتنی است او تقریباً نحوه‌ای خاص و منحصر به فرد از رفتار را تجربه می‌کند که دیگر زنان، نظیر آن را تجربه نمی‌کنند. از این رو، رفتارهایی که در قبالتش اعمال می‌شود یا اعمال و سکانتش در همهٔ موارد برای کل زنان ایرانی تعمیم نمی‌پذیرد؛ بنابراین این دسته از زنان تفکیک شده‌اند. نزدیک به یک پنجم گزاره‌ها (۱۹/۱۹ درصد) به این گروه از زنان مربوط می‌شود. برای نمونه اسپاروی معلم انگلیسی فرزندان ظل‌السلطان (۱۸۹۷-۱۸۹۸) در *فرزندان درباری ایران* در توصیف این گروه می‌گوید:

زن هرچه اعیان‌تر باشد، تعداد تنبان‌هایی که می‌پوشد بیش‌تر است. صحت توصیفات لیدی شیل را در این باره برای هر ایرانی که خواندم تصدیق کرد. او می‌نویسد خانم‌هایی را می‌شناختم که تا یازده تنبان روی یک‌دیگر می‌پوشیده‌اند (اسپاروی، ۱۳۶۹: ۱۷۸).

ج) زن در وضعیت‌های موردی: در بخش اعظمی از گزاره‌ها، سفرنامه‌نویسان تجربه‌شان از رفتار زنان یا نوع برخورد با آنان را در محدودهٔ خاص جغرافیایی یا قومیتی و دینی بیان کرده یا وضعیت زنان را در مشاغل و اموری خاص به تصویر کشیده‌اند یا روایتی از برخورد ایرانیان با همسران خویش را بیان کرده‌اند که این مورد هم برای همهٔ زنان ایرانی

تعمیم نمی‌پذیرد. بیش از یک سوم گزاره‌های ذکر شده دربارهٔ زنان (۳۶/۱۶ درصد) به این گروه بازمی‌گردد؛ برای نمونه وارینگ، جاسوس انگلیسی که در ۱۸۰۲ از ایران دیدن کرده، در توصیف نمونه‌ای از این گروه زنان می‌نویسد:

طبقه‌ای که بیش تر از همه مالیات می‌پردازند زن‌های رقاچه می‌باشند که تحت سرپرستی و قیومیت دولت هستند؛ نام و سن و دیگر مشخصات این افراد در دفتر حکومتی ثبت است و چنان‌چه ازدواج نمایند یا بمیرند یا به شهر دیگری نقل مکان نمایند، بایستی اجزای دولتی از آن‌ها اطلاع داشته باشند. اینان به طبقات متعددی از «دو تومانی» تا «پول سیاه» درجه‌بندی می‌شوند و هر طبقه در خیابان‌های معینی زندگی می‌کنند (وارینگ، ۱۳۶۹: ۲۰۲).

۴.۲. شغل و موقعیت سیاحان

یکی از متغیرهای مهمی که در بیان سیاحان از وضعیت زنان تفاوت ایجاد می‌کند شغل و موقعیت سیاحان و هدفشان از سفر به ایران است. در طبقه‌بندی‌ای عام، هفت طبقه نسبتاً همگن ایجاد شده است:

۱. مأموران خارجی: منظور از این گروه، همهٔ سفرا، کارمندان سفارت‌خانه‌ها، مستشاران نظامی، جاسوسان، مدیران ادارات دولتی و کارمندانی‌اند که از سوی دولت‌های خارجی و با سمت‌های مختلف به ایران سفر کرده‌اند (۴۹/۳۲ درصد سفرنامه‌ها و ۳۹/۲۱ درصد گزاره‌ها)؛
۲. شخصیت‌های علمی: این گروه از سفرنامه‌نویسان با مقاصد علمی و اهداف پژوهشی به ایران سفر کرده‌اند و در مشاغل گوناگونی نظیر معلم، استاد دانشگاه، باستان‌شناس، شرق‌شناس، ایران‌شناس، جانورشناس، کاشف و مورخ ظاهر شده‌اند (۱۵/۰۷ درصد سفرنامه‌ها و ۱۰/۸۶ درصد گزاره‌ها)؛
۳. مذهبیان: گروهی از سفرنامه‌نویسان با اهداف مذهبی به ایران سفر کرده‌اند؛ کشیش‌ها، موسیونرها و مبلغان مذهبی این گروه را تشکیل می‌دهند (۲/۷۴ درصد سفرنامه‌ها و ۷/۹۷ درصد گزاره‌ها)؛
۴. نویسندگان و هنرمندان: آن دسته از سفرنامه‌نویسانی که در قالب خبرنگار، روزنامه‌نگار، نقاش، کلکسیونر، شاعر، نویسنده و مستندساز به ایران سفر کرده‌اند گروه نویسندگان و هنرمندان را در این مطالعه تشکیل می‌دهند (۸/۹۰ درصد سفرنامه‌ها و ۸/۹۹ درصد گزاره‌ها)؛
۵. جهان‌گردان و بازرگانان: گروه دیگر سفرنامه‌نویسان، بازرگانان و جهان‌گردان‌اند که از اهداف سیاسی، علمی و مذهبی به دور بوده‌اند و به همین سبب، به همهٔ ابعاد زندگی ایرانی نگاهی فراگیرتر داشته‌اند (۱۳/۷۰ درصد سفرنامه‌ها و ۲۱/۹۰ درصد گزاره‌ها)؛

۶. پزشکان: در این پژوهش، پزشکان در گروهی مجزا قرار گرفته و بررسی شده‌اند. این گروه معمولاً امکان دسترسی به قشرهای گوناگون اجتماعی، از دربار گرفته تا اقشار پایین اجتماعی، را داشته‌اند. علاوه بر آن، ملاقات با زنان ایرانی و به‌ویژه هم‌صحبتی با آنان ویژگی دیگری است که مردان این گروه داشته‌اند و سایر گروه‌ها اغلب از آن محروم بوده‌اند (۶/۱۶ درصد سفرنامه‌ها و ۸/۱۴ درصد گزاره‌ها)؛

۷. همسران: برخی از مأموران سیاسی و پژوهش‌گران خارجی حین سفر خانواده‌شان را نیز همراه خود آورده‌اند و همسران برخی از آن‌ها به نوشتن شرح سفر خویش مبادرت کرده‌اند. این گروه از زنان نیز جداگانه بررسی شده‌اند؛ زیرا دسترسی و ارتباط بیش‌تری با زنان ایرانی داشته‌اند و به واسطه آن‌که بدون هدف خاص (سیاسی، علمی و مذهبی) وارد ایران شده‌اند، به مسائل زن ایرانی نظر جزئی‌تری افکنده‌اند (۴/۱۱ درصد سفرنامه‌ها و ۲/۸۸ درصد گزاره‌ها).

۵.۲ زنانه یا مردانه بودن مسئله

در بررسی نگاشته‌های سیاحان دربارهٔ زنان موضوع بااهمیت دیگر این است که با این‌که بسیاری از این نگاشته‌ها دربارهٔ زنان و نقد وضعیت موجود آنان است، اما این نقدها به زنان بازنمی‌گردد؛ بلکه خلیقات منفی مردان را نشانه رفته است؛ یعنی رفتارهایی را که ناظر بر ظلم به زنان است بیان کرده است. برای تعریف ظلم به زنان در این بخش به نظریه‌های ستم جنسیت ارجاع داده می‌شود. در قلمرو این نظریه‌ها، وضعیت زنان پیامد رابطهٔ قدرت مستقیم میان مردان و زنان یا سلطه است. منظور نظریه‌پردازان ستم از سلطه، هر نوع رابطه‌ای است که یک طرف (فرد یا جمع) را تابع و ابزار ارادهٔ خود کند. منظور از ابزار اراده بودن، انکار ذهنیت مستقل فرد تابع است. در الگوی ستم جنسیت به عمیق‌ترین و فراگیرترین شکل، جزئی از نظم اصلی سلطه معروف به مردسالاری مشاهده می‌شود که در آن، جامعه به سوی تفوق مردان در همهٔ ابعاد حیات اجتماعی سازمان‌دهی می‌شود. مردسالاری پیامد ناخواسته و ثانوی عواملی مانند بیولوژیکی بودن یا اجتماعی شدن یا نقش‌های جنسی یا نظام طبقاتی نیست؛ مردسالاری نظم قدرتی بنیادی است که با نیتی آگاهانه و استوار حفظ می‌شود (ریتزر، ۱۳۹۳: ۶۲۹). بر همین اساس، صفاتی مانند زنبارگی مردان یا محدودیت‌هایی که به زعم سیاحان، مردان بر زنان اعمال می‌کنند در مقولهٔ ظلم و ستم به زنان جای می‌گیرد.

این گزاره‌های مربوط به زنان به دو دسته تقسیم شده‌اند؛ یکی خلیقات منفی زنان و دیگری ظلم به زنان. در مجموع، بیش از چهار پنجم گزاره‌های ذکر شده درباره مسائل زنان، به ظلم به زنان بازمی‌گردد (۸۰/۸۱ درصد) و فقط ۱۹/۱۹ درصدشان خلیقات منفی زنان را دربر می‌گیرد. نمونه‌ای از خلیقات منفی زنان در سفرنامه شاردن بدین صورت بیان شده است:

زنان مشرق‌زمین، به‌ویژه آنان که دارای جاه و مقام‌اند، هرگز نمی‌توانند احساسات درونی خویش را بیوشانند و بر شادمانی‌ها یا رنج‌مندی‌های خویش پرده بیفکنند؛ از این رو همواره منقلب و هیجان‌زده و خشمناک‌اند (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۴۱۲).

برای ظلم به زنان نیز آنچه کنتس روزن در سفری به دور ایران به نقل روحانی‌ای به نام مصطفی ذکر می‌کند درخور توجه است:

در ایران اگر مردی دوستش را به اتفاق همسرش در خیابان ببیند، با زن سلام و احوال‌پرسی نمی‌کند و وانمود می‌نماید که اصلاً او را ندیده است؛ این‌جا مشرق‌زمین با همه ویژگی‌هایش تجلی می‌کند. جوان ایرانی در مقابل زن ضعیف است و همین ویژگی را در دوستش تصور می‌کند؛ از این رو به خاطر ارضای نفس خود از همسرش می‌خواهد که مانند سده‌های گذشته زندگی کند (روزن، ۱۳۶۹: ۱۴۴).

۳. گزاره‌های منفی ذکر شده^۳

چنان‌که ذکر شد، در این مقاله فقط به آنچه از دید سیاحان مسئله و نکته منفی بوده پرداخته شده است. نخست آنچه در سفرنامه‌ها به منزله رفتار منفی بیان شده استخراج شده و سپس تلاش شده است این صفات منفی ذیل خلیقات کلی طبقه‌بندی شوند. برای شرح بیشتر در ادامه نمونه‌ای از گزاره‌هایی که سیاحان درباره مهم‌ترین خلیقات منفی آورده‌اند ذکر شده است: رعایت نکردن حقوق زنان (۴۸/۷۳ درصد):

در میان آن‌ها (صوفی‌ها) کسانی هستند که هنگامی که دختری برای آن‌ها متولد می‌شود می‌گویند او نذر شاه خواهد بود. هنگامی که آن دختر به سن مناسب می‌رسد، بسیاری از صوفی‌ها او را می‌آورند و به شاه نشان می‌دهند. شاه آن‌هایی را که می‌پسندد نگه می‌دارد و به بقیه اجازه می‌دهد بروند. در میان آن‌ها کسانی هستند که هرچه دارند را وقف شاه می‌کنند و خودشان به نام شاه گوشه‌نشین می‌شوند (ممبره، ۱۳۹۲: ۳۰).

زنبارگی (۱۰/۳۶ درصد):

اندرون و حرمسرا طبق رسوم معمول در ایران جزو نقاط ممنوعه است و هیچ مردی جز صاحب‌خانه حق ورود به آن را ندارد، ولی در این مورد یک استثنا وجود دارد؛ بدین معنی

که شاه می‌تواند با هر زنی که دلش خواست حرف بزند و روی او را ببیند و بدین ترتیب وارد اندرون هر کسی می‌تواند بشود. زنان اندرون در این فرصت‌ها بهترین لباس خود را پوشیده و آرایش می‌کنند و اگر شاه احیاناً یکی از این زنان را پسندیده و از او خوشش بیاید، وظیفه صاحب‌خانه است که آن زن را اگر عقدی یا صیغه است، فوراً طلاق بدهد و به اندرون شاه بفرستد (بنجامین، ۱۳۶۳: ۹-۱۶۸).

بی‌بندوباری و فساد اخلاق (۹/۸۵ درصد):

در این محل (شهر صحنه) گروهی به نام «شمع خاموش‌کن‌ها» زندگی می‌کنند. این نام را بدین جهت به آن‌ها داده‌اند که در اجتماعات شبانه‌ای که دارند در آن زن و مرد در یک‌جا پذیرایی می‌شوند. پس از صرف خوراک و نوشابه، چراغ‌ها را خاموش می‌کنند و سکوت برقرار می‌شود، زن و مرد جای خود را تغییر می‌دهند تا شناخته نشوند. در این درهم و برهمی قبیح، هر مرد به نخستین زنی که برمی‌خورد، آزاد است که هرگونه عمل را با وی انجام دهد. این تفریحات هرزه در این جشن‌ها، از جمله تشریفات مذهبی شمرده می‌شود. مسلمانان از آن‌ها تفر دارند و آن‌ها را جنایت‌کار و سزاوار مرگ می‌دانند (اوتر، ۱۳۶۶: ۱۷۸).

روسپی‌گری (۴/۲۴ درصد):

روزی نزاعی و آشوبی در یکی از روسپی‌خانه‌ها در گرفت. اتفاقاً رئیسه آن‌جا زنی بود که قوادی دختر خود را می‌کرد. چون شاه از آن مطلع شد، فرمان داد تا مادر را از بالای برجی به زیر افکنند و دختر در زیر چنگ و دندان سگانی که مخصوص همین نوع مجازات‌ها تربیت شده‌اند تکه‌تکه شد. برای عادت دادن سگان به درندگی، هر روز صبح مقداری کله گوسفند خرد کرده پیش آن‌ها می‌اندازند و این تنها غذای آن‌هاست (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۲۷۶).

جهل و بی‌سوادی (۲/۵۵ درصد):

زنان ایرانی حتی اگر تحصیل کرده هم باشند، از نظر عقلانی بی‌شبهت به کودکان نیستند! و گاه انجام بازی‌هایی برایشان جالب توجه است که حتی بچه‌های اروپایی نیز به آن رغبتی نشان نمی‌دهند (فوربز، ۱۳۶۶: ۱۶۰).

خرافه‌پرستی، خیال‌بافی و افسانه‌پردازی (۲/۳۸ درصد):

علم پزشکی در ایران کاملاً عقب‌مانده است. بسیاری از درمان‌ها از ساده‌لوحی تمام‌عیار مایه می‌گیرد. دیدن ماچۀ خر یا بز یا بستن می‌تواند دافع بعضی بیماری‌ها باشد. اگر زنی قطعه کوچکی از پوست گرگ همراه داشته باشد، آبستن نمی‌شود و در این صورت می‌تواند به هر نحو که بخواهد هوس‌های خود را تسکین دهد و از عواقب آن بی‌می‌نداشته باشد. قطعه الماسی که به گردن آویزان شود، نور چشم را زیاد می‌کند. لمس کردن این سنگ ترس را از بین می‌برد. هم‌چنین الماس دافع صرع است، بی‌هیچ دردی موجب افتادن

دندان‌های کرم‌خورده می‌گردد و زنان آرزومند فرزند را مادر می‌کند. زنانی که درد زایمان دارند باید نخ‌های از میان ریشه درونج (نوعی گیاه به شکل تاج که در باغچه‌ها می‌کارند) گذرانیده و آن را روی زهدان خود بیاویزند تا دردشان تسکین یابد (سرنه، ۱۳۶۳: ۱۳۷).

فقدان آزادی فردی (۲/۰۴ درصد):

جامعه نسوان، که اغلب زندگی را برای انسان شیرین و مطلوب می‌کند، در ایران وجود خارجی ندارد. قوانین ایران در زمینه معاشرت مردان با زنان آن قدر جدی است که ممکن است به ازای از دست رفتن جان رومئو یا ژولیت و یا هر دو منجر شود. اگر هم مردی بتواند از چنین قضیه‌ای جان سالم به در ببرد، از فردای آن روز باید با باج‌خواهی‌های پلیس، والدین دختر یا نوکران و اطرافیان سر کند (لندر، ۱۳۸۸: ۸۰).

۴. یافته‌ها

در ادامه، یافته‌هایی از سفرنامه‌ها درباره موضوع‌های زنان به تفکیک طبقات ذکر شده در بالا آمده است. موضوع نخست، درباره نوع زنان بررسی شده است. مباحثی که درباره این سه نوع زن مطرح شده به تفکیک دوره تاریخی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. درصد فراوانی گزاره‌های منفی مربوط به زنان در سفرنامه‌ها

بر حسب نوع زنان بررسی شده به تفکیک دوره تاریخی

دوره تاریخی	پیش از اسلام	صفوی تا قاجار	قاجار	پهلوی	جمع
زن در مفهوم عام	۷/۹۶	۲۷/۷۸	۵۱/۶۱	۴۱/۶۷	۴۴/۶۵
زنان اعیان و درباری	۹۲/۳۱	۴۱/۶۷	۱۳/۴۴	۶/۲۵	۱۹/۱۹
زن در موقعیت موردی	۰	۳۰/۵۶	۳۴/۹۵	۵۲/۰۸	۳۶/۱۶
درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
جمع	۱۳	۱۰۸	۳۷۲	۹۶	۵۸۹

نتایج جدول ۱ حاکی از این مسئله است که گزاره‌های مربوط به زنان در مفهوم عام در دوره قاجار بیش‌ترین فراوانی را داشته و حجمی معادل ۵۱ درصد را به خود اختصاص داده است. هم‌چنین در دوره پیش از اسلام، صرفاً سفرنامه‌ها ناظر به بررسی وضعیت زنان درباری و اعیان بوده و تقریباً با مطالعه زنان خارج از این طبقه سر و کار نداشته‌اند. این در حالی است که در دوره پهلوی و آخرین دوره مطالعاتی این پژوهش، حجم گزاره‌های استخراج‌شده از وضعیت زنان اعیان و درباری به شدت سقوط کرده و به ۶ درصد رسیده است و برعکس در این دوره، ارتباط سفرنامه‌نویسان با جامعه ایرانی چنان تنگاتنگ می‌شود

که آنان را قادر می‌سازد نمونه‌های موردی بیش‌تری (۵۲ درصد) از خلیقات منفی زنان ایرانی و نیز رفتارهای تبعیض‌آمیزی که در قبال آنان صورت می‌گرفته انعکاس دهند.

جدول ۲. درصد فراوانی گزاره‌های منفی مربوط به زنان در سفرنامه‌ها
بر حسب نوع زنان بررسی شده به تفکیک جنسیت سیاح

جنسیت	مرد	زن	جمع
زن در مفهوم عام	۴۲/۸۶	۵۲/۲۱	۴۴/۶۵
زن اعیانی و درباری	۲۲/۲۷	۶/۱۹	۱۹/۱۹
زن در موقعیت موردی	۳۴/۸۷	۴۱/۵۹	۳۶/۱۶
درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
جمع	۴۷۶	۱۱۳	۵۸۹

جدول ۲ نشان می‌دهد که دسترسی و امکان مطالعه وضعیت زنان درباری و اعیان برای مردان سفرنامه‌نویس بیش‌تر از زنان بوده است؛ تا جایی مردان سیاح بیش‌تر به گزاره‌های استخراج شده از وضعیت خلقی یا رفتاری زنان درباری و اعیان توجه کرده‌اند تا زنان معمولی (۲۲ درصد در برابر ۶ درصد)؛ این امر حاکی از توجه بیش‌تر مردان به دربار یا دسترسی نداشتن آنان به زنان معمولی است. در مقابل، زنان بیش‌تر از مردان به زن در موقعیت‌های موردی و نیز در وضعیت عام پرداخته‌اند.

جدول ۳. درصد فراوانی گزاره‌های منفی مربوط به زنان در سفرنامه‌ها
بر حسب نوع زنان بررسی شده به تفکیک شغل سیاحان

شغل	مأموران خارجی	همسران	بازرگانان	چنان‌گردان و هیرمندان	نویسندگان و مذهبان	علمی	شخصیت‌های مذهبیان	پژشکان	جمع
زن در مفهوم عام	۴۷/۶۲	۶۴/۷۱	۳۷/۹۸	۳۷/۶۲	۳۷/۵۰	۵۳/۱۹	۴۷/۹۲	۴۴/۶۵	
زنان درباری	۱۴/۲۹	۱۷/۶۵	۲۴/۰۳	۲۲/۶۴	۱۸/۷۵	۱۹/۱۵	۲۷/۰۸	۱۹/۱۹	
زن در وضعیت موردی	۳۸/۱۰	۱۷/۶۵	۳۷/۹۸	۳۷/۷۴	۴۳/۷۵	۲۷/۶۶	۲۵/۰۰	۳۶/۱۶	
درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	
فراوانی	۲۳۱	۱۷	۱۲۹	۵۳	۶۴	۴۷	۴۸	۵۸۹	

بر اساس یافته‌های جدول ۳، در بررسی صفات زن ایرانی به صورت عام و رفتاری که جامعه با او دارد، همسران صاحب‌منصبان و مأموران، که به علت همراهی با همسرانشان به ایران سفر کرده‌اند، به نسبت سایر گروه‌ها روایات بیش‌تری ارائه کرده‌اند. شاید بتوان مدعی شد که فراغت این زنان از درگیری‌هایی که سایر زنان سفرنامه‌نویس داشته‌اند باعث شده است که برای درگیر کردن خود در زندگی ایرانی فرصت بیش‌تری داشته باشند؛ تا جایی که حدود دو سوم مطالبی که آنان دربارهٔ زنان بیان کرده‌اند (۶۴/۷۱ درصد) گزاره‌های به دست آمده در مورد زنان ایرانی در مفهوم عام است. در مقابل، سفرنامه‌نویسان پزشک به سبب رفت و آمد به دربار و برخورد مستقیم با زنان درباری، بیش‌ترین گزارش را از وضعیت این گروه از زنان ارائه کرده‌اند (۲۷ درصد). سفرنامه‌نویسانی که با جنبه‌های علمی و پژوهشی به ایران سفر کرده‌اند، نظیر معلمان، استادان دانشگاه، باستان‌شناسان، کاشفان، شرق‌شناسان، ایران‌شناسان، مردم‌شناسان و مورخان نیز از وضعیت زنان در حالت موردی (۴۴ درصد) بیش‌ترین گزارش را ارائه کرده‌اند. ویژگی‌های نگاه تحقیقی و موشکافانه این گروه از سفرنامه‌نویسان توجیهی برای کسب این درصد است.

جدول ۴. درصد فراوانی گزاره‌های مربوط به زنان در سفرنامه‌ها
بر حسب زنانه یا مردانه بودن مسئله به زنان به تفکیک دورهٔ تاریخی

دورهٔ تاریخی	پیش از اسلام	صفوی تا قاجار	قاجار	پهلوی	جمع
خلقیات زنان	۰	۶/۴۸	۲۳/۶۶	۱۸/۷۵	۱۹/۱۹
ظلم به زنان	۱۰۰	۹۳/۵۲	۷۶/۳۴	۸۱/۲۵	۸۰/۸۱
درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
جمع	۱۳	۱۰۸	۳۷۲	۹۶	۵۸۹

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، معدود گزارش‌هایی که پیش از اسلام دربارهٔ ایران نوشته شده صرفاً به ظلم به زن ایرانی و اعمال رفتار تبعیض‌آمیز بر وی اشاره کرده و مطالعهٔ خلقیات زن ایرانی مطلقاً مطمح نظر آن‌ها نبوده است. این در حالی است که در دورهٔ قاجار، پرداختن به خلق و خو و رفتار منفی زن ایرانی در سفرنامه‌ها بیش‌تر از سایر دوره‌ها بوده است (۲۴ درصد). هم‌چنین در مقایسهٔ پرداختن سفرنامه‌نویسان به خلقیات زن ایرانی در مقابل رفتار تبعیض‌آمیز با او در همهٔ دوره‌های تاریخی تفاوتی فاحش را شاهدیم؛ به طوری که می‌توان مدعی شد نگاه آنان بیش‌تر معطوف به گزارش رفتارهای منفی و ظالمانه با زن ایرانی بوده است و نسبت چهار به یک را نشان می‌دهد.

جدول ۵. درصد فراوانی گزاره‌های مربوط به زنان در سفرنامه‌ها بر حسب زنانه یا مردانه بودن مسئله به تفکیک جنسیت سیاح

جنسیت	مرد	زن	جمع
خلقیات زنان	۱۶/۸۱	۲۹/۲۰	۲۰/۸۰
ظلم به زنان	۸۳/۱۹	۷۰/۸۰	۷۹/۲۰
درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
جمع	۴۷۶	۱۱۳	۵۸۹

طبق آمارهای جدول ۵، زنان بیش‌تر از مردان به ذکر اخلاق منفی زن ایرانی پرداخته‌اند (۳۰ درصد در مقابل ۱۷ درصد) و در مقابل، مردان بیش‌تر به ظلم به زنان تأکید کرده‌اند. شاید این موضوع به این دلیل است که سیاحان مرد تعاملی با زنان نداشته‌اند تا اطلاعی از خلیات منفی آن‌ها داشته باشند؛ البته این در شرایطی است که تعداد مردان سفرنامه‌نویس این پژوهش حدود ۸/۵ برابر زنان است.

جدول ۶. درصد فراوانی گزاره‌های مربوط به زنان در سفرنامه‌ها بر حسب زنانه یا مردانه بودن مسئله به تفکیک شغل سیاحان

ارزق	خارجی	مأموران	همسران	بارگانان	بهران گردان و همسندان	نویسندگان و هنرمندان	علمی	شخصیت‌های مذهبیان	پژشکان	جمع
خلقیات زنان	۱۶/۴۵	۳۵/۲۹	۱۹/۳۸	۱۱/۳۲	۲۸/۱۳	۱۷/۰۲	۲۵/۰۰	۱۹/۱۹		
ظلم به زنان	۸۳/۵۵	۶۴/۷۱	۸۰/۶۲	۸۸/۶۸	۷۱/۸۸	۸۲/۹۸	۷۵/۰۰	۸۰/۸۱		
درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		
فراوانی	۲۳۱	۱۷	۱۲۹	۵۳	۶۴	۴۷	۴۸	۵۸۹		

آمارهای جدول ۶ نشان‌دهنده این مسئله است که در میان گروه‌های شغلی گوناگونی که هر یک به بهانه‌ای به ایران سفر کرده‌اند، زنانی که در مقام همسر مأموران یا صاحب‌منصبان به ایران سفر کرده و به نگارش سفرنامه پرداخته‌اند بیش از سایر گروه‌ها به انعکاس خلیات منفی زنان ایرانی پرداخته‌اند و درباره آن‌ها اظهار نظر کرده‌اند؛ تا جایی که حدود یک سوم نوشته‌هایشان درباره خلیات منفی زنان است. پس از آن، گروه‌های شغلی و شخصیت‌های علمی، نظیر معلمان، استادان دانشگاه، باستان‌شناسان، شرق‌شناسان، ایران‌شناسان،

جانورشناسان، کاشفان و مورخان (۲۸ درصد) و سپس پزشکان (۲۵ درصد) قرار دارند. در مقابل، نویسندگان و هنرمندان بیش‌تر از دیگران در انعکاس ظلم به زنان ایرانی و رفتار تبعیض‌آمیز با آن‌ها کوشیده‌اند (۸۸ درصد) و پس از آن‌ها، مأموران خارجی و مذهبیان در رده‌بندی‌ها جای گرفته‌اند.

موضوع سوم، خلیقات منفی ذکرشده در سفرنامه‌هاست. در بخش خلیقات زنان، که در آن سفرنامه‌نویسان به نقد زن ایرانی و رفتار و خلق و خوی او پرداخته‌اند، صفت «بی‌بند و باری و فساد اخلاقی» بیش‌ترین مواردی است که سیاحان ذکر کرده‌اند (۱۲/۵ درصد) و پس از آن، صفت‌های «خرافه‌پرستی، خیال‌بافی و افسانه‌پردازی» و «جهل و بی‌سوادی» (هریک با ۱۰/۵ درصد) مواردی است که سیاحان بر آن تأکید کرده‌اند، اما بیش‌ترین موردی که در حکم ظلم به زنان ذکر شده، مربوط به «رعایت نکردن حقوق زنان» است (۶۰ درصد) و ناظر بر رفتارهایی است که در آن به زن به دیده جنس دوم و گاه موجودی فاقد شعور و حقوق انسانی و دینی نگریسته شده است. پس از آن نیز «زنجاری» به معنی میل مرد ایرانی به تجدید فراش و ارتباط مشروع با سایر زنان (۱۳ درصد) و «بی‌بند و باری و فساد اخلاقی»، که ناظر به رفتارهای جنسی خلاف عرف و شرع است (با ۹/۵ درصد)، در رتبه‌های بعدی قرار دارد.

از سوی دیگر، بیش‌ترین مسئله‌ای که سیاحان ذکر کرده‌اند رعایت نکردن حقوق زنان به معنای عام آن است؛ یعنی ۵۸ درصد گزاره‌ها. هم‌چنین «رعایت نشدن حقوق زنان» در جامعه ایرانی در مشاهده‌ها و برخوردهای موردی سفرنامه‌نویسان با زنان، به‌ویژه طبقات خاصی از زنان ایرانی، حدود نیمی از گزاره‌ها را به خود اختصاص داده است. افزون بر این، «زنجاری» مرد ایرانی صفت دیگری است که سیاحان خارجی گزارش کرده‌اند و زنان درباری در حرمسرای شاهان بیش از دو گروه دیگر (۳۵ درصد) در معرض این مسئله بوده‌اند. موضوع دیگری که زنان درباری با آن مواجه بوده‌اند «بی‌بند و باری و فساد اخلاقی» است که یک چهارم آن‌چه سیاحان درباره آنان گفته‌اند به این موضوع بازمی‌گردد. هم‌چنین نتایج این پژوهش حاکی از آن است که «بی‌بند و باری و فساد اخلاقی» و «زنجاری» هر دو در دوران قبل از اسلام بیش‌تر گزارش شده‌اند (۴۶ و ۲۳ درصد) و به استناد جدول ۲ از آن‌جا که بیش‌تر مورخان و سفرنامه‌نویسان این دوره (بیش از ۹۰ درصد) به بررسی زندگی درباری ایرانیان پرداخته‌اند، می‌توان مدعی شد این وضعیت ناظر به همان حوزه دربار است که به تناسب موقعیت شاهان و استبدادشان امکانات بیش‌تری درباره اعمال این دو صفت فراهم بوده است. شاهد دیگر تمرکز سفرنامه‌نویسان پیش از اسلام بر

دربار ایران و فاصله داشتن با زندگی عامه مردم، اشاره نکردن به پدیده «روسی‌گری» است؛ به طوری که در این دوره هیچ گزارشی از این پدیده رؤیت نمی‌شود و حجم بالای گزاره‌های مربوط به آن را در دوره پس از اسلام و تا پایان دوره زندگی ما شاهدیم (۱۴ درصد) که البته نوعاً از داده‌های شاردن و کمپفر درباره کثرت روسپی‌گری در دوره صفویه استخراج و به دست دیگران تکرار شده است. از نکات جالب دیگر، کاهش شدید درصد گزارش سیاحان از روسپی‌گری در دوران قاجار و پهلوی است که به ترتیب به ۲/۴۲ و ۱/۰۴ درصد نزول یافته‌اند.^۴ شاردن در این باره می‌نویسد:

در ولایات عدّه روسپی‌ها زیاد نیست، ولی در اصفهان، که پایتخت است، شمارشان بسیار می‌باشد. در سال ۱۶۶۶، که مقیم آن‌جا بودم، به من گفتند نام چهارده هزار زن روسپی در دفاتر مربوط به ثبت رسیده است. این گروه، دارای سازمانی منظم و وسیع است. مدیر کل و رئیس دارند و طبق قوانین موضوعه هر سال معادل دویست هزار اکو مالیات می‌دهند. بعضی از ثقات به من گفتند یک‌بار عدّه روسپیان آن‌قدر زیاد شد که دسته‌هایی از آنان راضی نبودند نامشان در دفاتر ثبت شود تا شناخته نشوند و صاحب‌منصبان و مأموران نیز بدین کار رضایت کامل داشتند؛ زیرا درآمدشان بیش‌تر می‌شد (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۳۰).

افزون بر این، «رعایت نکردن حقوق زنان» نیز صفت دیگری است که در دوران قاجار و پهلوی بیش‌ترین گزاره‌ها در مورد آن گزارش شده است. نتایج این مطالعه در وهله نخست ناظر به توجه سفرنامه‌نویسان مرد به «رعایت نکردن حقوق زنان» است که از نگاه زنان نیز مغفول نمانده و به ترتیب ۴۸/۱۱ و ۵۱/۳۳ درصد از گزاره‌هایی را تشکیل داده‌اند که در آن‌ها این صفت را نقد کرده‌اند. «زنباری» نیز موضوعی است که سفرنامه‌نویسان مرد بیش‌تر از زنان به آن پرداخته‌اند؛ این در حالی است که ۱۲/۳۹ درصد گزاره‌های این بخش به روایات مردان از این صفت اختصاص دارد. ۱/۷۷ درصد گزاره‌های زنان هم به این پدیده پرداخته‌اند، اما در روندی معکوس «حسادت و عیب‌جویی» زن ایرانی در نگاه زن فرنگی برجسته‌تر از مردان بوده است؛ به طوری که ۶/۱۹ درصد گزاره‌هایی که این صفت را در زن ایرانی جست‌وجو کرده‌اند به زنان سفرنامه‌نویس اختصاص داشته و گزاره‌های مرتبط با نگاه مردان به این صفت، حجمی معادل ۰/۶۳ درصد داشته‌اند. از سوی دیگر، «خرافه‌پرستی، خیال‌بافی و افسانه‌پردازی» زن ایرانی هم در نگاه زن فرنگی برجسته‌تر از مردان فرنگی نمود داشته است و در همین راستا، ۵/۳۱ درصد گزاره‌ها ناظر به گزارش زنان سفرنامه‌نویس و ۱/۶۸ درصدشان مربوط به گزارش‌های مردانی است که به ایران سفر کرده‌اند.

هم‌چنین مطالعهٔ خلیقات منفی زنان به تفکیک مشاغل سیاحان نشان می‌دهد که تمرکز همهٔ سفرنامه‌نویسان بر سه صفت «بی‌بند و باری و فساد اخلاقی»، «زنبارگی» و «رعایت نکردن حقوق زنان» است. در همین راستا، در میان سفرنامه‌نویسانی که به «بی‌بند و باری و فساد اخلاقی» اشاره داشته‌اند همسران صاحب‌منصبان و مأمورانی که به ایران سفر کرده‌اند نگاه دقیق‌تری به این پدیده داشته‌اند و گزارش‌های بیش‌تری از آن ارائه کرده‌اند و ۱۷/۵۶ درصد مشاهداتشان از زنان ایرانی به موضوع «بی‌بند و باری و فساد اخلاقی» اختصاص داشته است. «زنبارگی» نیز صفتی است که بیش‌تر در سفرنامه‌های پزشکان به آن توجه شده و ۱۶/۶۷ درصد گزاره‌ها را در بر گرفته است. «رعایت نکردن حقوق زنان» نیز در میان گروه نویسندگان و هنرمندان گزاره‌های بیش‌تری داشته و ۶۶/۰۴ درصد موارد به این موضوع اختصاص داشته است.

۵. نتیجه‌گیری

نقطهٔ عطف سفرنامه‌ها دربارهٔ ایران سیاحت‌نامهٔ ده‌جلدی شاردن است، که دایرة‌العمارفی کامل دربارهٔ ایران عهد صفوی است و مرجع بسیاری از نگرش‌ها دربارهٔ ایران و فراتر از آن شرق شده است. کتاب شاردن در زمانه‌ای نوشته شد که آغاز توجه غربیان به شرق بود و تقریباً همه چیز را دربارهٔ این بخش از دنیا شرح می‌داد؛ بنابراین دور از انتظار نبود که با این‌همه استقبال روبه‌رو شود.

شاردن در سفرنامه‌اش توضیحات کاملی از ایران داده است، اما این توضیحات دقیق نیست. او با دربار بیش‌تر ارتباط داشته و تقریباً هیچ مواجهه‌ای با زنان ایرانی نداشته است، اما در اثرش مفصلاً دربارهٔ زنان ایرانی سخن گفته است و این منشأ درک نادرستی از زنان ایرانی شده است. به‌جز موردی بسیار نادر، که سفرنامه‌نویس موفق به رؤیت حرمسرا و جزئیات آن می‌شود، در سایر موارد توصیف‌ها چیزی فراتر از رؤیاپردازی نیست. نگاه شهوانی به جامعهٔ مذهبی و دور از دسترس مردان فرنگی گاه برای آن‌ها دشواری نیز ایجاد می‌کرد. پیر لوتی در سفرنامه‌اش از رنجی که به خود داده تا روی زنان ایرانی را ببیند موارد متعددی ذکر می‌کند و جالب این‌که موفق به دیدن زنان جوان ایرانی نیز نمی‌شود؛ بنابراین چنین می‌نویسد:

مؤذنان تازه از گفتن اذان مغرب فارغ شده‌اند که مستخدم من با شتاب و با حالتی مخصوص وارد اتاق می‌شود و می‌گوید: «خانمی روی پشت بام است و آمده است جوراب‌های سبز خود را ببرد». من با عجله به دنبال او می‌روم. در آن‌جا زنی را مشاهده

می‌کنم که از پشت سر بسیار جذاب و فریبنده به نظر می‌رسد. اندام خود را به وسیله لباس چیت و موهایش را با پارچه ابریشمین مستور داشته است سرانجام سر خود را برمی‌گرداند. گویی با چشمان حيله‌گر خود به ما می‌گوید: «همسایه‌ها! بی‌جهت به خود زحمت ندهید. این خانم، پیرزنی است هفتادساله که همه دندان‌هایش ریخته است و به کلفتی خانه اشتغال دارد». واقعاً ما چقدر ساده‌لوح بودیم که تصور کرده‌ایم زنی زیبا روی پشت بام می‌آید و خود را در معرض خطر دیده شدن قرار می‌دهد (لوتی، ۱۳۷۲: ۱۰۳).

ارتباط نداشتن با جامعه ایران و زنان ایرانی و درک ناقصشان باعث می‌شود گاه خطاهای فاحش هم داشته باشند؛ ژان ژاک دومورگان می‌نویسد:

سابقاً گیلکی‌ها اخلاق و عادات مخصوصی داشتند ... عادات و رسوم آن‌ها از غیر عادی‌ترین عادات بود؛ اگر ما شعرای منطقه را باور کنیم، دختران جوان خود به دنبال خریداری در بازار می‌گشته‌اند و خویشتن را به آن یکی که بیش‌تر بدهد وامی‌گذاشته‌اند. «دختران جوان رشت به مانند طاووس‌های مست می‌گشتند، در بازارها به دنبال خریدار می‌گشتند، آن‌ها گره بند تنبانشان در دستشان گرفته بودند». این اخلاق و رسوم این‌قدر مغایر با آداب و رسوم مسلمانان به کلی از بین رفته. امروز زنان گیلکی به مانند همه زنان ایران حجاب دارند، حتی بیش‌تر از زنان مازندران و طالش (دومورگان، ۱۳۳۸: ۲۷۲).

کاظم ودیعی، مترجم کتاب، در پاورقی این اثر توضیح می‌دهد که اصل شعری که دومورگان به آن استناد کرده از مولانا سائل گیلانی برداشت شده و چنین است: «دخترانی که ساکن رشتند/ همچو طاووس مست در گشتند. طالب مشتری به هر بازار/ بند تنبان به دست می‌گشتند» و بعد توضیح می‌دهد:

با توجه به جمله آخر مؤلف، باید اذعان کرد که معلوم نیست نویسنده فرهنگ جغرافیایی و تاریخی ایران و شخص ژاک دومورگان منظور اصلی شاعر را درک کرده باشند؛ زیرا در دهات ما هنوز هم دختران و زنان بند تنبان و بسیار چیزهای دیگر را برای سرگرمی می‌بافند و شخصاً دور گشته و به فروش می‌رسانند.

یکی دیگر از این فهم‌های ناقص، که شاردن و کمپفر بیان کرده‌اند، تفاوت قائل نشدن روسپیان و زنان صیغه در عهد صفوی است که به آن اشاره شد.

جداول ذکرشده در این مقاله نشان می‌دهد که تفاوت‌های بسیاری میان مشاهدات سیاحان درباره زنان ایرانی وجود دارد؛ اولاً تعداد سیاحان زن بسیار کم است، ثانیاً این زنان در دوره‌های متأخر بیش‌تر به ایران سفر کرده‌اند و تا قبل از عهد ناصری، فقط دو سفرنامه از زنان وجود دارد. هم‌چنین بیش‌تر یافته‌های سیاحان، به‌ویژه پیش از دوران معاصر، درباره زنان درباری است و کم‌تر به زنان در موقعیت‌های مشخص و به صورت عام نظر دارند (جدول ۱).

نکته شایان ذکر دیگر این است که با توجه به خصایص جامعه ایرانی دسترسی سیاحان مرد به زنان ایرانی بسیار کم بوده است و خودشان در برخی موارد به این نقصان اعتراف کرده‌اند. بیش‌تر سیاحان ارتباطی با زنان نداشته‌اند و البته اطلاع ناقصشان را صادقانه بیان کرده‌اند، اما این بی‌اطلاعی و ناآگاهی باعث نشده است درباره زنان با همین اطلاعات اندک نظر ندهند.

یاحتمل مطالعه‌کنندگان این سیاحت‌نامه مرا مذمت (می) نمایند که در روایات خود از زن‌های ایران چندان نوشته‌ام. این فقره صحت دارد، ولی از چیزی که شخصی ندیده و نمی‌داند چگونه صحبت نماید؟ در ترکستان و ایران زن‌ها به قدری مخفی هستند که ممکن نیست آن‌ها را دیده و دسترس به آن‌ها نمی‌توان داشت و حتی از آن‌ها هرگز صحبت هم نمی‌شود (موزر، ۱۳۵۶: ۲۶۵).

تفاوت‌های بسیاری که میان نگاه سیاحان زن و سایر سیاحان وجود دارد و همچنین تمایز میان گروه‌هایی مانند پزشکان، که مستقیماً با همه زنان در ارتباط بوده‌اند، و کسانی که مدتی در خانواده ایرانی یا ایلات زیسته‌اند، در مقایسه با سایر سیاحان نشان می‌دهد که یافته‌های عام سیاحان درباره زنان ایرانی را نمی‌توان بدون دقت و تأمل قبول کرد و باید توجه داشت که سیاح چه ارتباطی با جامعه ایرانی داشته و چقدر می‌توانسته با زنان تعامل داشته باشد. البته یافته‌های این گروه را نیز نمی‌توان درست پذیرفت؛ مثلاً مشخص است که فرانکلین انگلیسی در شیراز با چه نوع خانواده‌ای نشست و برخاست داشته است:

زن‌های ایرانی مثل زن‌های سایر کشورهای مسلمان دارای حجاب هستند و از سر تا میج پایشان در چادر پوشیده شده است؛ به نحوی که دیدن روی ایشان در ملاء عام غیر ممکن است، اما من به علت موقعیت خاصی که داشتم و در یک خانواده مسلمان ایرانی زندگی می‌کردم، توانستم بسیاری از آن‌ها را بدون حجاب ببینم؛ زیرا آن‌ها وقتی به دیدن اقوام خود می‌آمدند ... از روی کنجکاو می‌خواستند یک نفر اروپایی را ببینند و با توجه به این که من یکی از اعضای خانواده تلقی می‌شدم، از این که بدون چادر در نزد من بنشینند ابایی نداشتند. آن‌ها با کنجکاو و در عین حال خیلی دوستانه با من به گفت‌وگو می‌نشستند و وقتی می‌دیدند من با کمال میل درخواستشان را اجابت می‌کنم و به سؤالاتشان درباره آداب و رسوم اروپایی‌ها و شیوه زندگی ایشان جواب می‌دهم، بیش‌تر ترغیب می‌شدند و در پایان هرگز فراموش نمی‌کردند که از من تشکر کنند و مرا «فرنگی خوش‌طینت» می‌نامیدند (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۴۹).

یا حتی گاه پزشکان نیز با واسطه با زنان ایرانی ارتباط داشته‌اند:

زنان مسلمان عادتاً همه در مقابل اطباء فرنگی همین حال را دارند. یکی از ایشان وقتی که

به اصرار شوهر خود، که اروپا را دیده بود و فرانسه هم حرف می‌زد، مجبور شد که برای معالجه با من ملاقات کند، در پشت پرده‌ای قرار گرفت تا من و او هیچ‌کدام هم‌دیگر را نبینیم. اشکال عمده کار در نشان دادن صورت است. زنی که چشمانی دل‌فریب دارد در نشان دادن آن‌ها اشکالی نمی‌بیند، اما دیدن دهان و سایر اجزای صورت او آسان نیست. غالباً تصورشان این است که طبیب از گرفتن نبض می‌تواند به هر دردی که دارند پی ببرد و این وهم را اطبای قدیمی در مغز ایشان فرو کرده‌اند (فووریه، ۱۳۸۴: ۱۳۵).

از این رو، از میزان فهمی که سیاحان از مسائل زنان دارند می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرد؛ دسته نخست آن‌هایی‌اند که به زنان دسترسی نداشته‌اند و فقط از روی شواهد یا توهم درباره زنان سخن گفته‌اند. دسته دوم کسانی‌اند که با زنان حشر و نشر داشته‌اند، مانند پزشکان یا آن‌ها که در خانواده‌ها و میان ایلات، که زندگی عمومی تری جریان دارد، بوده‌اند و دسته سوم نیز زنانی‌اند که ارتباط بی‌واسطه‌ای با زنان داشته‌اند. همسران سیاحان، پزشکان و طبقه معلمان، استادان دانشگاه، باستان‌شناسان، شرق‌شناسان، کاشفان و مورخان بیش‌ترین گزاره‌هایی را که به خود زنان مرتبط می‌شود مشاهده کرده‌اند.

البته بخشی از آنچه درباره زنان بیان شده مسائلی است که ذیل ظلم به زنان دسته‌بندی کرده‌ایم و بیش‌ترین میزان مسائل مرتبط با زنان نیز در همین دسته قرار دارد (نزدیک به ۸۰ درصد) و مواردی را دربر می‌گیرد که از نظر سیاحان، ساختار اجتماعی و مردان به زنان ظلم می‌کردند؛ از جمله اجبار زنان به روسپی‌گری یا حرمسرا و مجبور کردن زنان به ازدواج با شاه، ربودن زنان برای شاه و البته اجبار آن‌ها به ازدواج و گاه ازدواج زود هنگام و فقدان آزادی فردی و ... در دوران پیش از قاجار تقریباً همه آنچه درباره زنان بیان می‌شد ناظر به ظلم به زنان بود و بعدها مواردی از خلیقات مرتبط با خود زنان نیز مشاهده شد؛ البته توجه به این نکته که چهار پنجم آنچه درباره زنان بیان شده و از دید سیاحان نکته منفی است، با توجه به این موضوع بوده که مسائل مهم ذکر شده درباره زنان، بیش‌تر به ساختار استبدادی حاکم در جامعه ایران بازمی‌گشته که فشارهایی خارج از شرع را بر زنان تحمیل می‌کرده است و حتی آنچه به نام شرع نیز تحمیل می‌شده بیش‌تر متأثر از جامعه بوده تا احکام الهی (← بحث‌های شهید مطهری در حقوق زن در اسلام و پاسخ‌هایی که به نقد بر این کتاب داده است).

هم‌چنین مهم‌ترین موارد منفی، که سیاحان از زنان در ایران گزارش کرده‌اند، عبارت‌اند از بی‌بند و باری و فساد اخلاقی، جهل و بی‌سوادی، خرافه‌پرستی، رعایت نکردن بهداشت، پرحرفی و یاوه‌گویی، احساسات و اشتیاق‌های افراطی، حسادت و عیب‌جویی، شناخت

نداشتن و پای‌بندی به دیانت، روسپی‌گری و فضولی کردن. بی‌بند و باری بیش‌تر به زنان درباری معطوف بوده و در ایران پس از اسلام به نسبت ایران پیش از اسلام بسیار کم‌تر دیده شده است. پرحرفی و جهل را سیاحان دوره پهلوی بیش‌تر بیان کرده‌اند و روسپی‌گری نیز بیش‌تر معطوف به دوره صفوی بوده (دلایل نادرست آن پیش‌تر بیان شد) و فقدان آزادی فردی هم در دوره پهلوی آمار بالاتری به نسبت سایر دوره‌ها داشته است.

افزون بر این، داده‌ها گواه این ادعاست که سیاحان مرد بیش از زنان ظلم به زنان را گزارش کرده‌اند و زنان سیاح به دلیل ارتباط مستقیمی که با عالم زنانه داشته‌اند خلیقات منفی زنان را بیش‌تر واکاویده‌اند. هم‌چنین تقریباً بیش‌تر مواردی که زنان سیاح در زندگی زنان ایرانی مشاهده کرده‌اند، از جمله حسادت، خرافه‌پرستی، فقدان شناخت و پای‌بندی به دیانت، و یک‌نواختی زندگی، مردان مشاهده نکرده‌اند و مواردی مانند تجمل‌گرایی زنان، جهل و بی‌سوادی، خودنمایی و خودپسندی، دزدی و فضولی کردن را پزشکان مشاهده کرده‌اند و سایر سیاحان تقریباً اعتنایی به آن‌ها نداشته‌اند. همسران سیاحان نیز مواردی مانند بی‌بند و باری، پرحرفی، تقدیرگرایی، تنبلی، تعصب درباره اقلیت‌های مذهبی (زنان سیاحان غیر مسلمان بوده‌اند و نگاه منفی زنان مسلمان را بر خود احساس می‌کرده‌اند)، حسادت، حيله‌گری، رعایت نکردن بهداشت، فقدان شناخت و پای‌بندی به دیانت را در زنان ایرانی گزارش کرده‌اند.

در پایان شایان ذکر است آنچه در سفرنامه‌ها در حکم خلیقات منفی زن ایرانی و ظلم روا شده بر او گزارش شده است لزوماً و مطلقاً به معنای واقعیت موجود در جامعه ایرانی نیست؛ بنابراین بدون آن‌که بخواهیم درباره صحت این مشاهدات بحثی داشته باشیم، همین تنوع مشاهده و فاصله داشتن نگاه رایج سیاحان با نگاه زنان و پزشکان نشان می‌دهد که در شناخت مسائل زنان ایرانی از دریچه چشم سیاحان باید بیش از حد احتیاط کنیم و متوجه میزان دسترسی آن‌ها به جامعه زنانه باشیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. اطلاعات ذکر شده به ترتیب عبارت‌اند از سال سفر به ایران، نام سیاح و توضیح درباره سیاح.
۲. در این مقاله تلاش شده است در حد امکان منابع در قالب نمونه‌هایی که ذکر می‌شود معرفی شوند، اما کثرت منابع و محدودیت مقاله اجازه ذکر همه منابع را نمی‌دهد.
۳. احساسات و اشتیاق‌های افراطی، از خود بیگانگی، افراط در استعمال شراب و مواد مخدر، بداخلاقی و تندخویی، بی‌ادبی و گستاخی، بی‌بند و باری و فساد اخلاقی، بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی

به دیگران، بی توجهی به تن درستی و بهداشت فردی، پرحرفی و یاوه گویی، تجمل گرایی، تسلط فرهنگ شفاهی و سطحی نگری، تعصب بی جا و رفتارهای عداوت آمیز، تعصب درباره اقلیت های دینی، تقدیرگرایی، تنبلی و راحت طلبی، توجیه مذهبی (کلاه شرعی تراشیدن)، جبر و استبداد، جنگ و دشمنی، جهل و بی سوادی، چاپلوسی، چانه زنی، حسادت و عیب جوئی، حق شناسی، حيله گری، خرافه پرستی، خیال بافی و افسانه پردازی، خودنمایی و خودپسندی، خیانت و پیمان شکنی، دروغ گویی، دزدی، روسپی گری، زنبارگی، سوء ظن، توهم توطئه و بدبینی، بی اعتمادی، طمع و زیاده خواهی، رعایت نکردن بهداشت، رعایت نکردن حقوق زنان، فقدان شناخت و پای بندی به دیانت، فضولی کردن، فقدان آزادی بیان، فقدان آزادی فردی، فقدان خلاقیت و نوآوری، فقر و تکدی گری، کارگزاران ناکارآمد، کور کردن و معدوم ساختن شاهزادگان، کینه توزی و انتقام خواهی، مجازات سخت، نفاق و ریاکاری، یک نواختی زندگی.

۴. باید دقت کرد که بر اساس یافته های اخیر، بیش از آن که در دوره قاجار و پهلوی شاهد بهبود در اخلاق اجتماعی ایرانیان باشیم (که بحث آن خارج از مدعای این مقاله است)، مشاهدات سیاحان دوره صفوی درباره روسپی گری نادرست بوده است و باید در کاربرد آن دقت کنیم. ویلم فلور نشان می دهد که آن چه شاردن و بعد از او کمپفر درباره تعداد بالای زنان روسپی در اصفهان ذکر می کنند زنان صیغه ای بوده اند که در قالب شرع فعالیت می کردند (فلور، ۲۰۱۰: ۱۲۷).

منابع

- اسپاروی، ویلفرید (۱۳۶۹). *فرزندان درباری ایران*، ترجمه محمدحسین آریا لریستانی، تهران: قلم.
- اوتر، ژان (۱۳۶۶). *سفرنامه ژان اوتر: عصر نادر شاه*، ترجمه علی اقبالی، تهران: جاویدان.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلر (۱۳۶۳). *ایران و ایرانیان: خاطرات و سفرنامه ساموئل گرین ویلر بنجامین نخستین سفیر امریکا در ایران سال های ۱۸۱۳-۱۸۱۵ میلادی*، ترجمه آوانس خان و تصحیح ذکاءالملک فروغی، به اهتمام رحیم رضازاده ملک، تهران: گلبانگ.
- پناهی، فرشته (۱۳۸۱). *زن ایرانی در سفرنامه ها*، تهران: جاجرمی.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۳۶). *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، با تجدید نظر کلی و تصحیح حمید شیرانی، اصفهان: تأیید.
- ترکچی، فاطمه (۱۳۸۶). «زن ایرانی از نگاه دیگران، نقد و بررسی کتاب زن ایرانی در سفرنامه ها نوشته فرشته پناهی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۱۰.
- خوانساری، خسرو (۱۳۸۱). *زن ایرانی در عصر صفویه بر اساس سفرنامه ها و گزارش های خارجیان*، تهران: برگ زیتون.
- دو مرگان، ژاک (۱۳۳۸). *هیئت علمی فرانسه در ایران: مطالعات جغرافیایی*، جلد اول: *جغرافیای شمال ایران*، ترجمه و توضیح کاظم ودیعی، تبریز: چهر.

۴۴ بررسی مسائل زنان ایرانی از پیش از اسلام تا انقلاب اسلامی از نگاه سفرنامه‌نویسان خارجی

- رایس، کلارا کالیور (۱۳۸۳). *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*، ترجمه اسدالله آزاد، تهران: کتابدار.
- روزن، ماد فون (۱۳۶۹). *سفری به دور ایران: داستان گشت و گذاری در داخل ایران همراه با تجربه‌ها و مخاطره‌هایش*، ترجمه علی محمد عبادی، تهران: پاژنگ.
- ریتزر، جرج (۱۳۹۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- سرنه، کارلا (۱۳۶۳). *مردم و دیدنی‌های ایران: سفرنامه کارلا سرنه*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نو.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲). *سفرنامه شاردن*، ج ۱، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
- فرانکلین، ویلیام (۱۳۵۸). *مشاهدات سفر از بنگال به ایران در سال‌های ۱۷۸۷-۱۷۸۶ میلادی: با شرح مختصری دربارهٔ ویرانه‌های تخت جمشید و رویدادهای جالب دیگر*، ترجمه محسن جاویدان، تهران: مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی.
- فوربز - لیث، فرانسیس (۱۳۶۶). *خاطرات مباشر انگلیسی سردار اکرم*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: اطلاعات.
- فووریه، ژوانس (۱۳۸۴). *سه سال در دربار ایران، از ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ قمری: خاطرات دکتر فووریه پزشک ویژه ناصرالدین شاه قاجار*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: نوین.
- گرس، ایوان (۱۳۷۲). *سفر زیبا: سرگذشت و سفرنامه فرستاده فرانسه در دربار شاه سلطان حسین صفوی*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: نشر تهران.
- لندر، آرنولد هنری سویچ (۱۳۸۸). *در سرزمین آرزوها: اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بازرگانی ایران در آستانه مشروطیت*، ترجمه علی اکبر عبدالرشیدی، تهران: اطلاعات.
- لوتی، پیر (۱۳۷۲). *سفرنامه: به سوی اصفهان*، ترجمه بدرالدین کتابی، تهران: اقبال.
- ممبره، میکله (۱۳۹۲). *سفرنامه میکله ممبره (فرستاده‌ای به سوی فرمانروایی صوفی ایران)*، ترجمه ساسان طهماسبی، اصفهان: بهتا پژوهش.
- وارینگ، ادوارد اسکات (۱۳۶۹). *ده سفرنامه*، ترجمه مهراپ امیری، تهران: وحید.

منابع دیگر

- «از خاطرات خانم ایرنیا دربارهٔ ایران» (۱۳۳۷). ترجمه احمد راد، یغما، ش ۱، پیاپی ۱۱۷.
- استارک، فریا (۱۳۶۴). *سفری به دیار الموت، لرستان و ایلام*، ترجمه علی محمد ساکی، تهران: علمی.
- اسکرین، کلارمونت پرسیوال (۱۳۶۳). *جنگ‌های جهانی در ایران*، ترجمه حسین نجف‌آبادی فراهانی، تهران: نوین.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۶۹). *ماهی سفید کور در ایران، سفرنامه آنتونی اسمیت*، ترجمه محمود نبی‌زاده، تهران: گستره.
- ایوانووا، ناتالینا (۱۳۸۰). *ایران‌نامه*، ترجمه هادی آزادی، تهران: الهدی.
- بانوی فرنگی ناشناس (۱۳۵۴). «روزنامه سفر شیراز»، به اهتمام کریم کریم‌پور، سخن، ج ۲۴، ش ۵، اردیبهشت ۱۳۵۴؛ ش ۶، تیر ۱۳۵۴؛ ش ۷، مرداد و شهریور ۱۳۵۴.
- بل، گرترود (۱۳۶۳). *تصویرهایی از ایران*، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران: خوارزمی.

- بیشوپ، ایزابلا (۱۳۷۵). *از بیستون تا زردکوه بختیاری*، ترجمه مهراپ امیری، تهران: سهند، آنژان.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱). *سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- ترز، ماری (۱۳۷۶). *شهبازان کوهسار: سفرنامه نواحی جنوبی ایران و ایلی قشقایی*، ترجمه محمد شهباز، تهران: پیراسته.
- دوراند، ای. آر. (۱۳۴۶). *سفرنامه دوراند*، ترجمه علی محمد ساکی، خرم‌آباد: کتاب‌فروشی محمدی.
- دیولافوا، ژان (۱۳۶۱). «سفرنامه دیولافوا در زمان قاجاریه: ایران و کلده» ترجمه همایون فره‌وشی (مترجم همایون)، تهران: خیام.
- دیولافوا، ژان (۱۳۶۹). *ایران کلده و شوش*، ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
- رستریو، الویا (۱۳۸۷). *زنان ایلی بهمنی: جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی خویشاوندی در عشایر*، ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، تهران: خجسته.
- سانگ - سوک - ای (۱۳۷۴). «خاطرات یک سال و نیم در ایران (بخش پنجم و پایانی)»، *آشنا*، س ۵، ش ۲۵.
- سرنای کارلا (۱۳۶۲). *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- سکویل - وست، ویتا (۱۳۷۵). *مسافر تهران*، ترجمه مهراپ توکلی، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- سکویل - وست، ویکتوریا مری (۱۳۸۰ الف). *دوازده روز در کوهساران بختیاری، جنوب غربی ایران*، ترجمه مهراپ توکلی، تهران: نشر نی.
- سکویل - وست، ویکتوریا مری (۱۳۸۰ ب). *دوازده روز سفر به سرزمین بختیاری*، ترجمه شفق سعد، تهران: فرزانه روز.
- سولتیکوف، آلکسی دمی‌تری یویچ (۱۳۸۱). *مسافرت به ایران*، ترجمه محسن صبا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سیفی چرمهینی، آمنه (۱۳۸۷). «زن ایرانی به روایت سفرنامه‌های ایرانی و غیر ایرانی در دوره صفویه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور.
- شاردن ایرانی (که با نام *شاردن ایرانی* ترجمه شده) (۱۳۸۰).
- شوارتسن باخ، آن ماری (۱۳۸۸). *مرگ در ایران: سفرنامه آن ماری شوارتسن باخ به ایران در دوره رضاشاه*، ترجمه لیلا فولادوند و حامد فولادوند، تهران: نشر تاریخ ایران.
- شیل، ماری لیدی (۱۳۶۲). *خاطرات لیدی شیل، همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- فلاندن، اوژن ناپلئون (۱۳۲۴). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران؛ در سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۱*، ترجمه حسین نورصادقی، اصفهان: نقش جهان.
- فلور، ویلم (۲۰۱۰). *تاریخ اجتماعی روابط سکسی در ایران*، ترجمه محسن مینوخرد، استکهلم: فردوسی.
- کارری، جملی (۱۳۴۸). *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- گیرشمن، تانیا (۱۳۸۹). *من هم باستان‌شناس شدم: خاطرات تانیا گیرشمن*، ۱۳۱۱-۱۳۴۶ خورشیدی، ترجمه فیروزه دیلمقانی، تهران: بنیاد فرهنگ کاشان.

۴۶ بررسی مسائل زنان ایرانی از پیش از اسلام تا انقلاب اسلامی از نگاه سفرنامه‌نویسان خارجی

- لافتوس، ویلیام (۱۳۸۵). *سفرنامه پژوهشی سرهنگ لافتوس: نخستین کاوش‌گر شوش*، ترجمه عباس امام، تهران: شادگان.
- لایارد، اوستین هنری (۱۳۷۱). *سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان*، گزارشات منتشر نشده‌ای از سر اوستین هنری لایارد و دیگران، ترجمه و حواشی از مهرباب امیری، تهران: فرهنگ سرا (یساولی).
- لمتون، ا. ک. س. (۱۳۶۲). *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.
- لندگراف، سونیا (۱۳۷۷). *عشق در نگاه دوم*، ترجمه علی جوادی، تهران: آبا.
- لوگاشوا، بی بی رابعه (۱۳۵۹). *ترکمن‌های ایران (پژوهش تاریخی - مردم‌شناسی)*، ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران: شباهنگ.
- مایار، الا (۱۳۷۸). *سیر مرگیار (سفرنامه)*، ترجمه افتخار نبوی‌نژاد، تهران: برگ زیتون.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی؛ ضد روش*، تهران: جامعه‌شناسان.
- مریت‌هاکس، اوانز آمیلیا (۱۳۶۸). *ایران: افسانه و واقعیت؛ خاطرات سفر به ایران*، ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مصفی، ابوالفضل (۱۳۷۱). «معصومه قم و سفرنامه پرنسس بی بسکو»، گلچرخ، ش ۵.
- مصفی، ابوالفضل (۱۳۷۳). «رشت در هشت بهشت، سفرنامه پرنسس بی بسکو و داستان دختر چنگی»، گلچرخ، ش ۱۰.
- مکبین روز، الیزابت (بی بی گل افروز) (۱۳۷۳). *با من به سرزمین بختیاری بیایید*، ترجمه و حواشی از مهرباب امیری، تهران: سهند.
- مک‌گرگر، کلنل سی. ام. (۱۳۶۸). *شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان در ۱۸۷۵*، ترجمه اسدالله توکلی طیبی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ملکم، سر جان (۱۳۸۰). *تاریخ کامل ایران*، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران: افسون.
- موریه، جیمز (۱۳۸۶). *سفرنامه جیمز موریه، سفر دوم: ایران، ارمنستان، آسیای کوچک ۱۸۱۰-۱۸۱۶ میلادی*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- وگت، کاری (۱۳۷۷). *سفر به ایران*، ترجمه وحید صابری مقدم، تهران: کمیل.
- وولفسون، مادام ا. س. (۱۳۰۹). *ایرانیان در گذشته و حال*، ترجمه میرزا حسین خان انصاری، تهران: خاور.
- هلمز، سیتیا (۱۳۷۰). *خاطرات همسر سفیر*، ترجمه اسماعیل زند، تهران: البرز.
- هیل، اف (۱۳۷۸). *نامه‌هایی از قهستان*، ترجمه و تعلیق محمدحسن گنجی، مشهد: آستان قدس رضوی، مرکز خراسان‌شناسی.